عزل وزیر کشور انگلیس به‌خاطر تجمع نیم‌میلیونی حامیان فلسطین در لندن و مخالفت آلمان با توقف کشتار مردم در غزه جلوه‌ای از حکومت فاشیستی در اروپاست

دلواپسی فاشیست‌ها

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

عملیات «طوفان الاقصی» مقاومت اسلامی در ۷ اکتبر و پاسخ وحشیانه رژیم صهیونیستی، افکار عمومی و دولت‌های اروپایی را به دوقطب متضاد تقسیم کرده است: «همبستگی با فلسطینی‌ها» و «حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل». درحالی‌که راهپیمایی‌های حمایت از فلسطین در خیابان‌های اروپا با وجود برخی ممانعت‌ها ادامه دارد، در پارلمان‌ها و کابینه‌های اروپایی اوضاع تا حد بسیار زیادی متفاوت است. این تقابل البته قربانیان دانه‌درشتی نیز داشته است. یکی از آنها «سوئلا براورمن» وزیر کشور بریتانیا بود. او در تایمز بریتانیا مقاله‌ای نوشت که منجر به برکناری‌اش شد. براورمن پلیس متروپلیتن را به دلیل نرمش با عناصر رادیکال در تظاهرات طرفدار فلسطین، مورد انتقاد قرار داد. او که مدت‌هاست به اظهارات جنجالی برای امنیت ملی یا پلیس شهرت داشته است، این تظاهرات را «راهپیمایی‌های نفرت» و «اوباش» نامید. وزیر کشور بریتانیا پلیس را به اعمال «استاندارد دوگانه» در راهپیمایی‌ها، به‌ویژه راهپیمایی‌های طرفدار فلسطین متهم کرده بود. این انتقادات فشار بر ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس برای انجام اقدامی در این زمینه را افزایش داد. او پس از انتشار این مقاله گفته بود این مطلب به تایید نهایی دفتر نخست‌وزیری نرسیده و محتوای آن در دست بررسی است. این بررسی‌ها با فشار حزب کارگر، حزب لیبرال دموکرات و جمعی از نمایندگان حزب محافظه‌کار، درنهایت به وزارت براورمن پایان داد.

برکناری وزیر انگلیسی به دنبال فشار افکار عمومی رخ داده است. مردم انگلیس از کشتار ۱۱ هزار فلسطینی خشمگینند. از میان سه حزب اصلی انگلیس، رای‌دهندگان دو حزب کارگر و لیبرال‌دموکرات تمایل بیشتری به فلسطین دارند تا اسرائیل. در میان جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال انگلیسی نیز نزدیک ۴۰ درصد طرفدار فلسطین و ۱۱ درصد طرفدار اسرائیل هستند. گفته می‌شود برکناری وزیر کشور در چهارچوب تغییرات گسترده در کابینه صورت گرفته است اما در برکناری براورمن به دلیل ضدیت با حامیان فلسطین، تردیدی وجود ندارد. بی‌بی‌سی دیروز در این خصوص نوشت: «برکناری خانم براورمن به دنبال انتقادهای اخیر از او و به‌ویژه در پی انتشار مقاله‌ای صورت گرفت که در آن پلیس لندن را متهم کرده بود که در مدیریت تظاهرات طرفداران فلسطینی‌ها، از آنها جانبداری می‌کند.» این یک درس بزرگ است. برکناری وزیر کشوری دولتی که از سرسخت‌ترین حامیان اسرائیل بود. این حمایت به اندازه‌ای است که «جیمز کلورلی» وزیرخارجه انگلیس نخستین مقام عالی‌رتبه دولتی بود که پس از حمله ۷ اکتبر، به تل‌آویو سفر کرد؛ یک روز زودتر از آنتونی بلینکن وزیرخارجه یهودی آمریکا به‌عنوان دومین مقام بلندپایه. جالب آنکه کلورلی، جایگزین براورمن شده و «دیوید کامرون» سیاستمدار مشهور انگلیسی به وزارت خارجه رسیده است. کامرون از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ نخست‌وزیر انگلیس بود. بازگشت نخست‌وزیر به کابینه پدیده‌ای نادر است. در انگلیس طی یک قرن اخیر، این دومین نمونه به حساب می‌آید. قرار گرفتن یک نخست‌وزیر سابق در مقام وزارت خارجه می‌تواند نشانه‌ای از پیچیدگی اوضاع باشد. به‌طور خلاصه؛ وزیرکشور ضدفلسطینی اخراج شده، وزیرخارجه که با سرعت عملش به نمادی تبدیل شده بود جابه‌جا شده و برای رفع پیچیدگی‌ها، نخست‌وزیر اسبق به وزارت خارجه رسیده است.

مسیر قبلی چه بود؟

نخستین روزهای آغاز جنگ در فلسطین، اروپا دوران «ماه عسل» حمایت خود از اسرائیل را می‌گذراند. بناهای تاریخی و ساختمان‌های دولتی در سراسر اروپا به نشانه همبستگی با اسرائیل به رنگ آبی و سفید -رنگ‌های پرچم اسرائیل- روشن شدند. در اعتراضات ۱۴ اکتبر لندن، پلیس انگلیس هزار پلیس در محل برگزاری مستقر کرده بود. هشدارها به این شکل بود: «هر کسی که پرچمی در حمایت از حماس یا هر سازمان تروریستی ممنوع دیگر داشته باشد، دستگیر خواهد شد.» ۱۵ نفر به دنبال این هشدار دستگیر شدند. در فرانسه، جرالد دارونین، وزیر کشور فرانسه اعلام کرد «تظاهرات طرفدار فلسطین باید ممنوع شود، زیرا احتمالا نظم عمومی را برهم می‌زند.» به گفته رویترز فرانسه از ۷ اکتبر ۹ تظاهرات را ممنوع کرده و ۷۵۲ جریمه و ۴۳ بازداشت را از ۱۲ اکتبر اعمال کرده است. در آلمان وضعیت بدتر از این دو کشور بود. این کشور که با توجه به جمعیت و ثروت خود، بیشترین جمعیت مهاجران را در خود دارد، فلسطینی‌ها را به امنیتی‌ترین شکل ممکن محدود کرد. اوضاع در مجارستان و اتریش وخیم‌تر از آلمان بود. این دو از هرگونه اعتراضات طرفداران فلسطین جلوگیری کرده‌اند؛ آلمان و اتریش بیشتر تحت فشار «اتهام یهودی‌ستیزی» که این دو کشور از زمان جنگ جهانی با آن درگیرند و مجارستان به دلیل کنترل سنگین «ملی‌گرایان افراطی» که گروهی هستند که با رژیم صهیونیستی که ادعا می‌کند کشوری مبتنی‌بر نژاد و ملیت است، احساس همدردی دارند.

این ماه عسل کوتاه بود. تلفات بالای رژیم صهیونیستی در روز نخست جنگ احساسات را به نفع تل‌آویو می‌کرد. ادامه جنگ و کشتار ساکنان غزه، مسیر احساسات را برعکس کرد. در این شرایط، سرکوب طرفداران فلسطین سخت شد و دولت‌های اروپایی زیر تیغ انتقاد رفتند. آنها که حمله روسیه به اوکراین را محکوم می‌کردند، حالا حامی حمله رژیم صهیونیستی به غزه شده بودند. نه حمایت از اسرائیل دیگر آسان بود و نه بازداشت حامیان فلسطین. «ماریا لوئیزا فانتاپی» و «ناتالی توچی» در سایت اسپکتیتور مواجهه اروپا با جنگ را «گیج کننده» خوانده و از «شلیک اروپا به پای خود» به دلیل «غیبت اروپا برای خاموش کردن آتش جنگ»، «شکننده جلوه دادن جبهه متحد سیاست خارجی درباره تهاجم روسیه به اوکراین با بالاگرفتن اختلافات بر سر خاورمیانه» و «از بین رفتن اعتبار اروپا در بخش‌های بزرگی از جهان به دلیل حمایت همه‌جانبه دولت‌ها و نهادهای اروپایی از اسرائیل» نوشتند. به اعتقاد آنها «یورش نظامی اسرائیل به کشتار، خلع‌ید و تخریب غیرقابل توصیف منازل فلسطینی‌ها ترجمه می‌شود و هنجارهای حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند که اروپا می‌خواست در محکوم کردن تجاوز روسیه به اوکراین از آنها حمایت کند. درنتیجه، با خوشحالی روسیه و چین، ادعاهای اروپا برای قرار گرفتن در سمت راست تاریخ و قوانین بین‌الملل اکنون در چشم کشورهای جنوب جهانی به طرز دردناکی توخالی و ریاکارانه به نظر می‌رسد.»

مسیر از کجا تغییر کرد؟

دولت‌های اروپایی برآمده از آرای مردمند. در جنگ غزه اما مسیری برعکس از صندوق رای را پیش گرفتند. همزمان با دستور برای نمایش پرچم اسرائیل در ساختمان‌های دولتی، ده‌ها هزاران نفر به خیابان‌های قاره سبز از پاریس و لندن تا برلین، رم و مادرید آمدند. آنچه در جامعه می‌گذشت خلاف خواست دولت بود. گسست میان رای‌دهندگان و دولتمردان، پیامی بود که به سرعت توسط تعدادی از دولت‌ها دریافت شد. پس از این بود که الکساندر دی‌کرو، نخست‌وزیر لیبرال‌دموکرات بلژیک روز دوشنبه در بروکسل، از حمله اسرائیل به غزه انتقاد کرد. این اظهارات یکی از نقاط عطف سیر فزاینده انتقاد از تل‌آویو توسط مقامات بلژیکی بود. چهارشنبه گذشته پترا دی‌سوتر، معاون نخست‌وزیر از حزب سبز، به روزنامه فلاندری Het Nieuwsblad گفت: «بمباران غزه غیرانسانی است.» سوتر همچنین خواستار تحریم اسرائیل شده است. یک روز بعد، کارولین گنز، وزیر همکاری توسعه بلژیک اعلام کرد دولت در حال بررسی به رسمیت شناختن کشور فلسطین است. پیش از این ایون بیلارا، وزیر حقوق اجتماعی اسپانیا نیز خواستار دستگیری بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به‌عنوان «جنایتکار جنگی» و «تحریم» تل‌آویو شده بود.

عدم اجماع اروپایی

درخصوص حمله روسیه به اوکراین، اروپا یکپارچه بود. همه مسکو را محکوم و از کی‌یف حمایت کردند. درخصوص اسرائیل وضعیت مشابه و پایدار نیست. حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل البته پس از توحش صهیونیست‌ها کمی متزلزل شد تا جدا از شکاف نخست، یک شکاف دیگر بین دولت‌های اروپایی پدید بیاید. این وضعیت البته براساس سوابق تاریخی و رویکرد سیاسی مردم متفاوت است. کشورهایی مانند آلمان، بریتانیا و اتریش جدای از احزاب حاکم‌شان، در صدر حامیان رژیم صهیونیستی قرار دارند. ماکسیم لوفور، دیلپمات سابق و استاد دانشگاه سوربن پاریس می‌گوید: «آلمان و اتریش به نوبه خود زخم‌های جنایات نازی‌ها را به دوش می‌کشند و بیشتر تمایل دارند با مواضع اسرائیل همسو شوند.» برلین و وین نگرانند در صورت اندکی واگرایی با تل‌آویو، به‌طور پررنگ متهم به «یهودی‌ستیزی» شوند. در همین راستا اولاف شولز، صدراعظم آلمان روز یکشنبه از مخالفت با آتش‌بس «فوری» در نوار غزه درست در زمانی گفت که درخواست‌ها در سطح جهانی برای توقف درگیری افزایش یافته است. روزنامه‌های آلمانی نیز در همین راستا به صورت بی‌قید و شرط از اسرائیل حمایت می‌کنند. به‌طور معمول احزاب و جنبش‌های سیاسی جناح چپ از آرمان مردم فلسطین در سراسر جهان حمایت کرده‌اند اما در آلمان، تقریبا همه احزاب چپ میانه حمایت خود را از رژیم صهیونیستی به صراحت اعلام کرده‌اند. آلمان در حوزه عمل نیز مجوزهایی برای فروش تسلیحات به ارزش ۳۰۰ میلیون یورو را صادر کرد. اکثر این مجوزها پس از حمله ۷ اکتبر تایید شده است. یک مقام دولت آلمان گفت که ۱۸۵ مجوز از ۲۱۸ مجوز صادرشده در سال جاری پس از ۷ اکتبر، صادر شده است.

دولت‌هایی مانند ایرلند و اسکاتلند (خودمختار) که مردم‌شان تجاربی مشابه فلسطین دارند، با اسرائیل مخالفت زیادی دارند. مت‌کارتی، نماینده پارلمان ایرلند و سخنگوی سیاست خارجی این کشور روز گذشته از دولت ایرلند خواست تا اقدامات معناداری برای اعمال فشار بین‌المللی بر رژیم اشغالگر برای پایان دادن به جنگ غزه و به رسمیت شناختن کشور فلسطین اتخاذ کند. او عضو حزب شین فین است. این حزب سابقه درگیری با دولت انگلیس در «جنگ استقلال ایرلند» را دارد. مردم اسکاتلند که هنوز تحت کنترل انگلیس هستند، احساساتی مثل ایرلندی‌ها دارند. حمایت تیم فوتبال «سلتیک» شهر گلاسکو -بزرگ‌ترین شهر و مرکز دولت خودمختار اسکاتلند- و طرفدارانش از فلسطین، این مساله را نشان می‌دهد. به دلیل منطقه‌ای بودن، این حمایت‌ها شکل «جغرافیایی» دارند. در کنار آنها، حمایت از فلسطین به گروه‌بندی‌های سیاسی هم مربوط است. احزاب چپ‌گرا به دلیل رویکرد اجتماعی‌تر حمایت بیشتری از فلسطین دارد اما این رویکرد در برخورد با «جغرافیا» متفاوت می‌شود. جغرافیا اما همه جا مانع رویکرد سیاسی نیست. مجارستان به شکل تاریخی باید مثل اسکاتلند و ایرلند باشد اما موضعی متفاوت دارد. مجارها سال‌ها زیر دست عثمانی، اتریش و روس‌ها زندگی کرده‌اند. در این کشور اما فشار شدید اشغالگری بیگانگان به «ملی‌گرایی» بسیار عمیق منجر شده است. دولت مجارستان که بیش از یک دهه در دستان راست‌های افراطی بوده، اسرائیل را به‌عنوان «کشور ملت یهود» می‌شناسد. آنها فلسطینی‌ها را نادیده می‌گیرند به این دلیل که «مسلمان» هستند. مجارستان در جنوب شرق اروپا در معرض موج‌های مهاجرتی قرار دارد. به همین دلیل راست‌گرایانش به «دگرستیزی» مبتلا شده‌اند. آنها از مسلمانان مهاجر غرب آسیا و شمال آفریقا بیزارند. شاید ایرلند و اسکاتلند در شمال غرب اروپا به اندازه کافی از این مناطق دور بوده‌اند که اسیر «دگرستیزی» به‌شدت مجارستان نشده‌اند.

دست و پا زدن مقامات آلمانی برای رژیم صهیونیستی

تمجید مقامات آلمان از اسرائیل «حدود» را زیرپا گذشته است. این پدیده منحصر به مقامات دولت آلمان نیست. مواضع اورسولا فون درلاین، وزیردفاع سابق آلمان که رئیس کمیسیون اروپاست نیز خشم دیگران را برانگیخته است. فون درلاین پس از آنکه روز ۱۹ اکتبر (۲۶ مهر) در موسسه هادسون، یک اندیشکده محافظه‌کار آمریکایی به دفاع از رژیم صهیونیستی پرداخت و هیچ‌گونه اشاره‌ای به راهکار ۲ دولتی که مورد حمایت اروپاست نداشت، تحت فشار قرار گرفت. تندروی او در حمایت از تل‌آویو، طاقت مقامات اروپایی را طاق کرده بود. بلافاصله یکی از مقامات ارشد اتحادیه اروپا او را متهم کرد که دیدگاه‌های شخصی خود را مطرح می‌کند. حدود ۸۰۰ کارمند اتحادیه اروپا نیز در اقدامی غیرمعمول، با نامه‌نگاری اعتراض خود را به تعصب فون درلاین نسبت به اسرائیل نشان دادند. در داخل، مقامات چپ‌گرای دولت آلمان، برخلاف روال موجود در دیگر احزاب چپ اروپایی، بر طبل جنگ می‌کوبند. دولت اولاف شولتز، رهبر حزب سوسیال‌دموکرات آلمان، مخالف «آتش بس» در غزه است. حرکتی که می‌تواند به کاهش دردهای مردم غزه و توقف کشتارها بینجامد. تعداد شهدای این منطقه از ۱۱ هزار نفر فراتر رفته است. «آنالنا بربوک» وزیر خارجه اولاف شولتز که از حزب سبزها آمده نیز به‌شدت مخالف آتش‌بس است. او پیش از جنگ از خود چهره‌ای «مخالف خونریزی و جنگ» ساخته بود. چهره‌ای که حداقل امروز فروریخته است. اگر هیتلر آشکارا جنایت می‌کرد، دولت آلمان امروز آدرس را اشتباه می‌رود. برلین همین الان همانند هیتلر، حامی کشتار است. این قضیه در داخل آلمان ائتلاف دولتی را به مقصد دیگری می‌رساند. مهم‌ترین پیامد داخلی، احتمال تقویت راست‌گرایان افراطی است. راست‌گرایان افراطی حامیان محکم کشتارهای اسرائیل و مخالف اعتراضات طرفداران فلسطینند. فضای امروز آلمان متناسب با خواست آنهاست نه گروه‌های چپ‌گرا. «آلترناتیوی برای آلمان» امروز در قدرت نیست اما ریلی که امروز اولاف شولتز و بربوک چیده‌اند می‌تواند رهبران آن را به قدرت برساند. شولتز و بربوک امروز افراطی‌ترین مواضع راستگرایانه را اتخاذ می‌کنند بدون آنکه رای‌دهندگان راست آنها را برگزیده باشند.

مساله فلسطین و بحران در حزب کارگر انگلیس

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در شرایطی که مساله فلسطین و وضعیت بحرانی غزه، دولت محافظه‌کار بریتانیا را در هم ریخته و نخست‌وزیر را به خانه‌تکانی اساسی در اعضای اصلی کابینه خود وادار کرده است، اوضاع در دیگر حزب بزرگ انگلستان یعنی حزب کارگر نیز به‌هیچ‌عنوان خوب نیست و بحران غزه اثرات خود را بر این حزب هم کاملا آشکار کرده است. در همین راستا هفته‌نامه «ویک» با اختصاص تیتر اصلی و همچنین طرح روی جلد خود به این موضوع، وضعیت حزب کارگر را به نقل از روزنامه‌نگاران معروف انگلیسی مورد بررسی قرار داده است. یکی از همین روزنامه‌نگاران انگلیسی معتقد است فلسطین جایگاه بزرگی در ذهن حزب کارگر دارد. اگرچه این جایگاه می‌تواند تا حدی از یک همدردی فوری قابل درک با فلسطینی‌ها سرمنشأ گرفته باشد، اما ماهیت مساله فراتر از این است؛ در واقع بحث بر سر «هویت سیاسی» و یک علت تعیین‌کننده برای فعالان چپ است. این موضوع شدت کشمکش کنونی حزب کارگر بر سر غزه و مشکلات احتمالی بر سر راه «کر استارمر» [رهبر حزب] را توضیح می‌دهد. او خط حزبی را در مساله فلسطین تعیین کرده است: «مخالفت با درخواست‌های آتش‌بس کامل در غزه»، آن هم فقط به این دلیل که چنین آتش‌بسی ممکن است به شبه‌نظامیان حماس این امکان را بدهد که حملات بعدی را پایه‌ریزی کنند. بنابراین به جای آتش‌بس فوری، باید درخواست «توقف‌های بشردوستانه» را مد نظر قرار داد.

اما خبرنگار شبکه خبری بی‌بی‌سی در رابطه با این موضع‌گیری استارمر می‌گوید که حدود یک‌سوم از نمایندگان حزب کارگر با این نظر وی مخالف هستند که از میان آنها ۱۷ نفر جزء اعضای پیشرو حزب در پارلمان محسوب می‌شوند. در همین راستا این هفته «عمران حسین» نماینده برادفورد، در پشتیبانی از آتش‌بس، از کابینه درسایه انگلیس [کابینه اپوزیسیون دولت] استعفا داد. «صادق خان» شهردار لندن، «اناس سرور» رهبر حزب کارگر اسکاتلند و «اندی برنهم» شهردار منچستر بزرگ هم مواضع مشابهی را دنبال می‌کنند. در این رابطه خبرنگار دیگری از روزنامه «میل» معتقد است استارمر در موضع‌گیری در قبال بحران غزه با ثبات نشان نداده است. تعهد صریح او در آغاز جنگ - من در کنار اسرائیل ایستاده‌ام –بی‌سروصدا کنار گذاشته شد. او با ایستادن در برابر کوربین‌ها [حامیان جرمی کوربین] در اتخاذ خط روشن در برابر حماس تا حدی فولادین نشان داد. او همچنین به شکل معقولی انتقادات را نادیده گرفت و به اعضای پیشرو حزب اجازه ابراز مخالفت داد. اگر او آنها را اخراج می‌کرد ممکن بود یک اثر دومینوی غیرضروری ایجاد کند و کل برنامه‌هایش را با بی‌ثباتی مواجه سازد.

با این حال خبرنگار گاردین دیدگاهی کاملا متفاوت از خبرنگار میل دارد. او بر این اعتقاد است که این بحرانی که او کوچک می‌خواند در واقع ساخته خود استارمر است. درواقع موضع استارمر چیزی متفاوت از حفظ اعتدال بوده است. او اندی مک‌دونالد، نماینده مجلس از میدلزبرو را به دلیل اینکه در یک سخنرانی اعلام کرد که «همه مردم اعم از اسرائیلی‌ها و فلسطینی، در رودخانه تا دریا، باید بتوانند درآزادی مسالمت‌آمیز زندگی کنند»، از کار معلق کرد. در حزب کارگر استارمر این اقدام مک‌دونالد، شرم‌آور تلقی می‌شود و کسانی که با کشتار جمعی در غزه مخالفت می‌کنند، در معرض خطر از دست دادن شغل خود هستند. اما از دیدگاه «اندرو مار»، یکی دیگر از خبرنگاران انگلیسی، در حال حاضر در درون حزب کارگر دو موضوع مهم قابل بحث وجود دارد. نخست اینکه آیا این جدال اقتدار رهبر حزب استارمر را تضعیف خواهد کرد؟ و دوم اینکه آیا این مساله بر موقعیت حزب در انتخابات بعدی تاثیر خواهد گذاشت؟ وی این‌گونه پاسخ می‌دهد که در حال حاضر چهار میلیون رای‌دهنده مسلمان در بریتانیا وجود دارد که اکثریت آنها از حزب کارگر حمایت می‌کنند. تیم استارمر بر این باور است که تنها ۱۰ درصد از آنها ممکن است آنقدر از این رویکرد حزب خشمگین باشند که تصمیم به خروج از حزب بگیرند. البته هیچ‌کدام از این بحث‌ها در مقایسه با «بدبختی و وحشت در غزه» اهمیتی ندارد اما اقتدار دولت بعدی در بریتانیا به بازی گرفته شده است. میلیون‌ها رای‌دهنده در تلاش هستند تا بفهمند استارمر به‌عنوان نخست‌وزیر چگونه خواهد بود و به همین دلیل با چشمانی تیزبین در حال تماشا هستند.

«یهودستیزی» به اهرم فشار حاکمیت ایالات متحده بر افکار عمومی این کشور تبدیل شده است

بایدن به دنبال سرکوب امنیتی مخالفان اسرائیل

فاطمه طهماسبی دم او
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

یهودستیزی واژه‌ای است که این روزها بیش از گذشته در رسانه‌های بین‌المللی به چشم می‌خورد. از ابتدای درگیری فلسطین و رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر) رسانه‌های آمریکایی در کنار بازتاب رویدادهای جنگ و تظاهرات داخل آمریکا به نفع هر یک از طرفین، خبرهایی از مشکلاتی که درون آمریکا برای یهودیان در حال وقوع بود را نیز پوشش می‌دادند. یکی از آنها قتل رئیس یک کنیسه در دیترویت بود. با وجود اینکه علت قتل مشخص نبود در همان ابتدا رسانه‌ها به شکلی مبهم، به احتمال قتل به دلیل نفرت از یهودیان اشاره می‌کردند؛ گمانه‌ای که روزهای بعد توسط پلیس رد شد. مرگ یک مرد ۶۹ ساله یهودی در درگیری با یکی از حامیان فلسطین نیز یکی از این موارد است که به‌عنوان جنایت ناشی از نفرت نام برده شده است.

آنچه این روزها دوباره موضوع یهودستیزی را در ایالات متحده زنده کرده، حضور قابل توجه مردم آمریکا در تظاهرات حمایت از فلسطین است. این تظاهرات که روزهای اول بیشتر در دانشگاه‌ها، مراکز مذهبی و با نفرات محدود برگزار می‌شد در مدت کوتاهی به شهرهای بزرگ آمریکا کشیده و شاهد حضور جمعیت‌های انبوه شد. یکی از قابل توجه‌ترین اعتراضات، در شهر واشنگتن دی‌سی، پایتخت ایالات متحده بود. علاوه‌بر این اعتراضاتی نیز در مقابل کنگره برگزار شد. اعتراض در جریان سخنرانی آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا در جلسه استماع کنگره، یکی از مشهورترین صحنه‌های اعتراضات بود. طبق آمار «پروژه داده‌های مکانی و رویدادی درگیری‌های مسلحانه» (ACLED) تا ۸ نوامبر (۱۷ آبان) بیش از ۴۲۲۰ تظاهرات در سراسر جهان برگزار شده که از این تعداد ۳۷۰۰ مورد یعنی ۸۸ درصد به نفع فلسطین، و ۵۲۰ مورد یعنی ۱۲ به نفع اسرائیل برگزار شده است. در ایالات متحده بیش از ۶۰۰ تظاهرات برگزار شده که بخش اعظم آن از سوی حامیان فلسطین بوده. اقدامات افراد یا گروه‌های حامی فلسطین به‌تدریج نگرانی مقامات آمریکایی را برانگیخت. به‌طوری‌که اکثریت مقامات جمهوری‌خواه از همان ابتدا خواستار برخورد با تظاهرکنندگان شدند و بعضی از نامزدهای ریاست‌جمهوری مانند دونالد ترامپ وعده اخراج دانشجویان خارجی حامی فلسطین در صورت انتخاب مجدد خود را دادند.

با گسترده شده اعتراضات در کف خیابان، واژه یهودستیزی بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. ماجرای یهودستیزی در غرب در فاصله بین دو جنگ جهانی و از زمان ظهور هیتلر در آلمان ایجاد شد. با این حال طبق نظرسنجی‌های بین‌المللی یهودستیزی در ایالات متحده هیچ‌وقت مانند اروپا چشمگیر نبوده است. در آن زمان «هنری فورد» رئیس کارخانه ماشین‌سازی فورد که از نقش و نفوذ مخرب اقلیت یهودی در سیاست و حکومت آمریکا و به تباهی کشاندن جامعه و فرهنگ آن نگران بود خود را یهودستیز خواند و کتاب «یهود بین‌الملل» در روزنامه او منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات برگرفته از کتاب «پروتکل بزرگان یهودی» است که در آن زمان پس از کتاب مقدس پرفروش‌ترین کتاب در آمریکا بود. تب یهودستیزی در همه سال‌های پس از فورد فرونشسته بود تا اینکه یک مرد سفیدپوست در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۷ طی یک حمله مسلحانه به کنیسه یهودیان در حوالی شهر پیتزبورگ ایالت پنسیلوانیا ۱۱ نفر را کشته و ۶ نفر را مجروح کرد. این حادثه خونین‌ترین کشتار یهودیان در تاریخ آمریکا خوانده شد. پس از این واقعه مقامات آمریکا با موضعی همسو تلاش کردند به دفاع از یهودیان آمریکایی بپردازند و به اشکال مختلف به مقابله با یهودستیزی پرداختند. در این زمینه جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا سنگ‌تمام گذاشت و برای اولین بار در ماه مه ۲۰۲۳ «استراتژی امنیت ملی ایالات متحده برای مقابله با یهودستیزی» را ارائه و امضا کرد.

در درگیری‌های اخیر فلسطین با رژیم صهیونیستی با وجود اینکه بایدن در ابتدا تمام‌قد از اسرائیل دفاع می‌کرد و تصمیم‌گیری درباره وقفه در جنگ برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به غزه را به خود دولت تل‌آویو واگذار کرده بود، ولی اکنون چند روزی است که تلاش کرده برای توقف بشردوستانه جنگ به اسرائیل فشار وارد کند. این کار او نه از سر خیرخواهی، بلکه برای کاهش فشارهای افکار عمومی داخلی حامی فلسطین انجام می‌شود. آنچه در ۳۱ اکتبر (۹ آبان) نسبت به مواضع گذشته مقامات قابل توجه بود، حضور «کریستوفر رای» رئیس FBI در جلسه استماع در برابر کمیته امنیت داخلی سنا و سخنرانی درباره یهودستیزی در آمریکا بود. وی در این باره گفت: «یهودی‌ستیزی در حال رسیدن به سطح تاریخی است.» او با ارائه آمارها در این زمینه گفت: «یهودیان آمریکایی، که تنها ۲٫۴ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، هدف ۶۰ درصد نفرت مبتنی‌بر مذهب هستند.»

به نظر می‌رسد هشدارهای رئیس یک سازمان اصلی امنیت داخلی نشانه تغییر در مواجهه با یهودستیزی است که این روزها حامیان فلسطین یکی از مهم‌ترین نمادهای آن محسوب می‌شوند. ایالات متحده هرگاه بخواهد اقدامی که بخش قابل توجهی از افکار عمومی با آن همراهی نمی‌کنند را اجرا کند، آن را تبدیل به مساله‌ای امنیتی می‌کند. برای نمونه سال‌ها تلاش کرد با استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی، فرهنگ همجنسگرایی را در ایالات متحده ترویج دهد ولی درنهایت به دلیل عدم حمایت بخش زیادی از جامعه از این فرهنگ، راهکارهای امنیتی برای آن در نظر گرفت. به‌طوری‌که اکنون کسی حق مخالفت با اقدامات افراد دارای این گرایش و حقوق آنها را ندارد و در صورت انجام این کار حتی اگر فرد دارای مقام بالایی در دولت باشد، مورد مواخذه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در ماجرای حامیان فلسطین و رژیم صهیونیستی نیز درصورتی‌که دولت نتواند فعالیت‌های آنها را به کنترل درآورد، به‌زودی با امنیتی‌سازی موضوع، با ابزار زور این کار را خواهد کرد. روند دستگیری‌ها، اخراج‌ها یا انحلال گروه‌های حامی فلسطین طی روزهای اخیر حاکی از همین تلاش دولت است. برای نمونه در روز ۸ نوامبر، ۲۰ دانشجوی دانشگاه براون در شهر بوستون در جریان تحصن در حمایت از مردم غزه دستگیر شدند. همچنین دانشگاه کلمبیا در ۱۱ نوامبر شعبه‌های گروه‌های «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» و «صدای یهودی برای صلح» - که گروه یهودی ضدصهیونیست است - در دانشگاه کلمبیا را به حالت تعلیق درآورد و بودجه دانشگاهی آنها را تا پایان ترم پاییز قطع کرد.